

تحلیل برون داد های یک نظام دانشگاهی مطالعه موردی: گروه آموزشی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی

عاطفه ساعدی^۱، فاطمه خوشنویسان^۲، جواد نرگسیان^۳

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی

^۳ دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی

نام نویسنده مسئول:

عاطفه ساعدی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل برون دادهای گروه آموزشی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی صورت گرفته است. در این مطالعه، که به بررسی و ارزیابی کیفیت دانش آموختگان در ده سال گذشته در گروه آموزشی مورد بررسی، با تاکید بر وضعیت اشتغال آنان می پردازد، ۶ ملاک و ۱۶ شاخص مورد استفاده قرار گرفته است. این پژوهش از نظر نحوه جمع آوری داده ها از نوع توصیفی و پیمایشی و با توجه به هدف پژوهش از نوع پژوهش های تحقیق و توسعه است که داده های مورد نیاز از طریق مطالعات میدانی و مصاحبه های تلفنی جمع آوری شده است. نتایج کلی پژوهش حاکی از آن است که نبود مکانیسم منسجم در انجام ارزیابی برون دادهای گروه آموزشی مورد بررسی، دستیابی جامع به ارزیابی شفاف را با مشکل و ابهاماتی مواجه ساخته است و تحلیل برون دادهای گروه آموزشی مورد ارزیابی گویای وضعیت نسبتاً مطلوب عامل مورد ارزیابی است.

واژگان کلیدی: برون داد، دانش آموختگان، آموزش عالی، ارزیابی، کیفیت آموزشی.

مقدمه

برتری یک کشور پیش از آنکه به منابع طبیعی یا ظرفیت های موجود صنعتی متکی باشد، به پویایی نظام آموزش عالی آن کشور بستگی دارد. در غالب کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه حل مسایل و رفع نیازمندی های اهداف توسعه ملی بر عهده دانشگاه ها و دانشگاهیان است و امروزه، بیشتر کشورهای جهان سوم بر این باورند که پایه اصلی توسعه ملی گسترش کمی و کیفی سریع فرصت های آموزشی است. هر چه آموزش بیشتر و با کیفیت بهتر ارائه شود، توسعه ملی سریعتر صورت خواهد گرفت (جمالی زواره، ۱۳۹۰).

اگر برای رسیدن به اهداف توسعه بخواهیم چند محور را انتخاب کنیم تا جامعه ما بتواند در روند توسعه کشور، برخوردار از نتایج برنامه ها و سیاست های توسعه شود، تحقیقا مقوله اشتغال مولد و مفید یکی از مفید ترین و اصولی ترین راهکارها برای نیل به یک جامعه توسعه یافته می باشد. زیرا اشتغال به عنوان اساسی ترین نیاز نسل جوان می تواند منشأ بسیاری از ارزش های اجتماعی، فردی و هویت بخش شخصیت انسانی وی باشد. از طرف دیگر، رشد سریع جهانی شدن، تحولات جمعیتی، تغییرات سریع در دنیای کار و توسعه اقتصاد دانش محور، کشورهای دنیا را با چالش های اقتصادی و اجتماعی فراوانی مواجه کرده است. بیکاری دانش آموختگان، یکی از مهمترین این چالش ها نه تنها در کشورهای در حال توسعه، بلکه در بسیاری از کشورهای صنعتی و توسعه یافته است. دانش و مهارت و نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده، عامل تعیین کننده ای برای مواجهه با این چالش می باشد. در صورتی که پذیرفته شود که در سطح ملی، بخش آموزش و تربیت به عنوان زیر ساخت توسعه پایدار باید بتواند نقش موثر و کارآمد خود را ایفا نماید، در این صورت این نقش بدون نیروی انسانی کارآمد و توانا امکان پذیر نخواهد بود.

حفظ و بهبود کیفیت آموزش همواره به عنوان یکی از مسایل اصلی در نظام آموزش عالی کشور مطرح بوده و با توجه به اهمیت این موضوع از دیر باز راهکارهای متعددی در این زمینه مطرح و آزموده شده است. یکی از مهمترین راه های حفظ و ارتقاء کیفیت آموزشی در رسیدن به استانداردها، ارزیابی نظام آموزشی است. ارزیابی به عنوان یکی از فرایندهای شناخته شده و رایج در مدیریت موسسات آموزشی، دارای اهمیت قابل توجهی است.

در نظام آموزش عالی با توجه به نقش و جایگاه آموزش عالی در جامعه، یونسکو سه کارکرد اصلی برای نظام آموزش عالی تعیین می کند که عبارتند از:

- تولید دانش (پژوهش): مهمترین کارکرد آموزش عالی محسوب می شود و هدف آن افزودن به دانش موجود و تغییر در جوامع می باشد.
 - انتقال دانش (آموزش): برای انتقال دانش تولید شده به نسل جوان به منظور توسعه نیروی انسانی مورد نیاز.
 - اشاعه و نشر دانش (خدمات): به منظور اشاعه و نشر دانش تولید شده در جامعه و ترویج یافته های علمی با هدف کاربردی کردن آنها.
- با این احتساب در صورتی که نظام آموزش عالی کشوری این سه ویژگی را داشته باشد، می توان گفت که دانش آموختگان آن به نسبت با مشکلات کمتری برای اشتغال مواجه خواهند بود (نصرآبادی و پزشکی راد، ۱۳۸۳).

صرفنظر از نقش و جایگاه آموزش عالی، بررسی وضعیت کیفیت دانش آموختگان و اشتغال آنان یکی از مسایلی است که همواره مورد توجه برنامه ریزان آموزشی بوده است. این توجه هم به لحاظ اهمیت بازار کار به عنوان مرکز ثقل توسعه اقتصادی و اجتماعی است و هم به لحاظ نقش های اجتماعی می باشد که به افراد دانش آموخته برای نیل به اهداف توسعه کشور محول می گردد.

نتایج پژوهش های انجام شده در حوزه ارزیابی آموزش عالی بیانگر آن است که در زمینه هایی چون اعتباربخشی دانشگاه ها، ارزیابی درونی و بیرونی و نقش آن برای تضمین کیفیت آموزش عالی و نیز تاکید بر ضعف ها و نارسایی های موجود در فعالیت های آموزشی و پژوهشی دانشگاه های کشور فعالیت های علمی و تحقیقاتی خوبی انجام شده است، ولی تمرکز بر تحلیل انحصاری برون دادهای نظام آموزش عالی که همانا دانش آموختگان دانشگاهی هستند بسیار کم رنگ بوده است. از عمده ترین دلایل این سهل انگاری دشواری های موجود در جمع آوری داده های مورد نیاز و نابسامانی ثبت اطلاعات دانش آموختگان است. در هر صورت پیگیری وضعیت دانش آموختگان به عنوان برون دادهای نظام دانشگاهی می تواند به عنوان بازخورد عملیاتی سیستم دانشگاه باشد و آگاهی از نحو عملکرد و کیفیت اشتغال آنان میزان کارایی سیستم دانشگاهی را مبرهن می سازد. غفلت از ارزیابی برون دادهای نظام آموزش عالی موجب از هم گسیختگی شرایط عرضه و تقاضا در جامعه می گردد و پدیده بیکاری دانش آموختگان و عدم جایگزینی درست آنان در شغل حاصله را شامل می شود. اتون عقیده دارد، رویکرد تحلیل برون دادها با توجه به ماهیتش کاربرد گراست. ارزیابی کاربرد گرا بر این فرض مبتنی است که قضاوت در خصوص ارزیابی باید به وسیله کاربردها و استفاده های واقعی آن، یعنی در عمل چقدر به کار می آید، صورت گیرد (Eaton, 1997).

در باب اهمیت ارزیابی برون دادهای نظام آموزش عالی بازرگان عقیده دارد فعالیت های آموزشی هر کشور را می توان سرمایه گذاری یک نسل برای یک نسل دیگر دانست. هدف اصلی این سرمایه گذاری توسعه انسانی و به عبارت دیگر، هدف فعالیت های آموزشی، رشد آگاهی ها و توانایی های بالقوه انسان است. از طرف دیگر، نظام آموزشی هر کشور از نظر نیروی انسانی و مشاغل ایجاد شده در آن بالاترین نسبت را در میان سازمان ها و دستگاه های دولتی دارد. بر این اساس، نظام آموزشی را می توان یکی از پیچیده ترین زیر نظام های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

دانست. با توجه به گستردگی و پوشش سازمان های آموزشی، ارزیابی کیفیت دانش آموختگان می تواند نقش موثری در سنجش میزان مطلوبیت برون دادهای نظام دانشگاهی و میزان کیفیت نظام دانشگاهی داشته باشد (Bazargan, 2006).

فراساتخواه (Farasatkah, 2006) در پژوهش خود، پس از بررسی تطبیقی شانزده کشور بیان می کند که در سطح بین المللی ارزیابی گروه های آموزشی تحت عنوان ارزیابی درونی به عنوان نخستین مرجع اطلاعاتی برای تضمین کیفیت آموزش عالی است. لازم به ذکر است که در فرایند ارزیابی درونی، یکی از مهمترین عوامل مورد بررسی که نتایج آن گویای کیفیت آموزشی نظام دانشگاهی است، تحلیل برون دادهاست که از آن تحت عنوان دانش آموختگان یاد می شود.

محمدی و همکاران (Mohammadi et, 2005) در پژوهش خود ارزیابی را لازمه افزایش بازده اجتماعی آموزش عالی، پاسخگویی عمومی، تایید صلاحیت و بهبود مستمر یافته اند.

جمالی زواره (۱۳۹۰)، عقیده دارد بنا بر نظر بسیاری از کارشناسان که مشکلات مالی و کمبود منابع را عامل اصلی اجتناب افراد از خود اشتغالی و کارآفرینی می دانند، اما با بررسی دقیق تر می توان چنین اسنباط کرد که دلیل اصلی نبود خود اشتغالی در دانش آموختگان دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، کمبود آموزش های کارآفرینی می باشد.

بر این اساس پژوهش حاضر در نظر دارد به بررسی وضعیت دانش آموختگان گروه آموزشی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بپردازد. سوال اصلی این مطالعه تعیین میزان مطلوبیت برون دادهای گروه آموزشی مورد بررسی است که با تاکید بر سرنوشت شغلی دانش آموختگان صورت می گیرد. همچنین منظور از برون دادهای نظام آموزش عالی در این پژوهش دانش آموختگان گروه آموزشی مورد بررسی در گرایش های مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و آموزش دبستانی و پیش دبستانی در مقطع کارشناسی مدیریت آموزشی، تاریخ و فلسفه تعلیم و آموزش پیش دبستانی در مقطع کارشناسی ارشد است.

روش پژوهش:

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، روش این مطالعه، توصیفی-موردی است که می تواند جنبه کاربردی نیز داشته باشد. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش هایی است که هدف آنها توصیف کردن وضعیت موجود پدیده های مورد بررسی است. اجرای این تحقیق می تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجد و یاری دادن به فرایند تصمیم گیری باشد (محمدپور، ۱۳۹۰). همچنین این تحقیق به جهت تمرکز بر یک مورد و واحد تحلیل جزء دسته مطالعات موردی نیز محسوب می گردد. بر اساس تعریف کلارک (۲۰۱۵)، مطالعه موردی عبارتست از مطالعه و گسترده بر روی یک موقعیت، یک مورد و یا یک گروه.

جامعه آماری پژوهش حاضر دانش آموختگان کارشناسی و کارشناسی ارشد گروه آموزشی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی در ۵ سال گذشته است که با در نظر داشتن حجم مورد نیاز و نیز توانایی در یادآوری تاثیرات شناختی گروه آموزشی مورد بررسی و همین طور دسترسی به نشان آنان، به عنوان جامعه آماری برگزیده شدند. با توجه به ضعف شدید ثبت اطلاعات دانش آموختگان و نیز عدم پاسخ دهی آنان، نهایتاً پس از پیگیری های بسیار مستمر، اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه های تلفنی و فضای مجازی از ۲۱ دانش آموخته در مقطع کارشناسی و ۴۸ نفر در مقطع کارشناسی ارشد در کلیه گرایش های تحصیلی رشته علوم تربیتی که در پنج سال گذشته در دانشکده علوم تربیتی دایر بوده است، گردآوری گردید و ۶ ملاک و ۱۶ شاخص به منظور تحلیل عامل مورد ارزیابی توسط اجماع نظر اساتید و متخصصان و نیز تحقیقات پیشین انتخاب گردید که میانگین نظرات کارشناسی و کارشناسی ارشد در امتیاز نهایی لحاظ گردیده است (محمدی، رضا، ۱۳۸۴). ملاک های عمده مورد تحلیل عبارتند از:

توانایی شناختی، نگرشی و مهارتی دانش آموختگان؛ اشتغال دانش آموختگان؛ ارتباط دانش آموختگان با گروه، بعد از فراغت از تحصیل؛ ادامه تحصیل دانش آموختگان؛ نظر دانش آموختگان درباره برنامه های آموزشی؛ آثار علمی دانش آموختگان.

پیرامون تجزیه و تحلیل داده ها، لازم به ذکر است از آنجایی که مقیاس سنجش متغیرهای موجود در تحلیل برون دادهای عمده تابه ای و فاصله ای هستند، لذا تحلیل داده های حاصل از متغیرهای این دو مقیاس مستلزم استفاده از روش های مناسب مقیاس این متغیرهاست. بدین منظور برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق ابزارهای اندازه گیری و تبدیل پاسخ های کیفی به مقادیر کمی، از روش وزن دهی هر کدام از گزینه ها استفاده شده است. جدول زیر نحوه امتیاز دهی نشانگر ها را در این پژوهش نشان می دهد.

جدول ۱: طریقه امتیاز دهی به نشانگرها

امتیاز	دامنه	سطوح سه گانه وضعیت
۳	۳-۵/۶۷	مطلوب
۲	۳/۲-۶۶/۳۴	نسبتا مطلوب
۱	۲/۳۳	نامطلوب

یافته ها

جهت به دست آوردن میزان مطلوبیت عامل مورد ارزیابی، تفاوت بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب دانش آموختگان، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. برای این منظور ابتدا وضعیت موجود دانش آموختگان بر مبنای ملاک های معین شده، جمع آوری گردید و سپس جهت تعیین مبنای قضاوت در خصوص تحلیل برون داده ها، شاخص های وضع مطلوب از طریق اجماع نظر متخصصان و اهداف و رسالت های تدوین شده توسط وزارت علوم برای رشته مورد بررسی، در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین گردید. جدول زیر اطلاعات مربوط به ملاک ها، شاخص ها و میزان مطلوبیت نتایج حاصله را نشان می دهد.

جدول ۲: نتایج تحلیل مطلوبیت دانش آموختگان

ملاکها	شاخص های مورد ارزیابی	امتیاز	نتایج		
			مطلوب	نسبتا مطلوب	نامطلوب
توانایی ها	میزان شناخت عمومی و تخصصی از رشته	۳/۸۵	*		
	میزان علاقه به رشته تحصیلی	۳/۱۵		*	
	نظر آنان درباره سطح مهارت خود	۲/۰۷			*
اشتغال	دوره بیکاری	۳/۷۱	*		
	نسبت دانش آموختگان شاغل به بیکار	۲/۸۵		*	
	نسبت ارتباط شغل دانش آموختگان با رشته تحصیلی	۳/۶۵		*	
	میزان کارآفرینی دانش آموختگان	۲/۲۰			*
ارتباط با گروه	میزان ارتباط با گروه	۱/۴۱			*
	از کاربردی بودن برنامه های درسی	۲/۲۹			*
نظر آنان درباره برنامه درسی	از برنامه های درسی در ایجاد پایه های شناخت	۳/۹۴	*		
	از برنامه های درسی در ایجاد پایه های عاطفی	۳/۲		*	
	نسبت راه یابی دانش آموختگان به مقاطع بالاتر	۳/۱۳		*	
ادامه تحصیل	رضایت از نقش گروه در ادامه تحصیل آنان	۲/۷۹		*	
	تعدادتالیف و ترجمه ها	۱/۶۸			*
آثار علمی	تعداد مقالات پژوهشی به چاپ رسیده	۳/۲۹		*	
	تعداد طرح های پژوهشی انجام شده یا در دست اجرا	۱/۳۴			*

تحلیل داده های ارزیابی نهایی برون داده های مورد نظر با امتیاز ۲/۷۸۴۳ بیانگر وضعیت نسبتا مطلوب دانش آموختگان گروه آموزشی مورد بررسی است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که دانش آموختگان مقطع کارشناسی، شناخت عمومی و تخصصی از مباحث رشته تحصیلی، علاقه به رشته و سطح مهارت خود را در برآوردن الزامات شغلی به ترتیب با امتیازهای مطلوب، نسبتا مطلوب و نامطلوب ارزیابی کرده اند. میانگین دوره بیکاری دانش آموختگان مقطع کارشناسی که هم اکنون شاغل می باشند ۶ ماه بوده است. که با توجه به شرایط حاضر و ملاک های مورد بررسی مطلوب ارزیابی می گردد. البته بسیار یاز افراد تحت بررسی معلمین شاغلی بودند که در حین خدمت و اشتغال دوره تحصیل را سپری نموده اند که این تعداد میانگین دوره بیکاری دانش آموختگان را به سطح مطلوب نزدیک ساخته است. همچنین از مجموع ۴۸ پاسخ از دانش آموختگان مقطع کارشناسی ارشد مشخص گردید، بیش از نیمی از آنان (۳۸ نفر) شاغل بوده اند. به عبارت دیگر نزدیک به ۸۰ درصد آنان جذب بازار کار شده اند. لذا دوره بیکاری شاغلین و نیز نسبت دانش آموختگان ارشد شاغل به بیکار مطلوب ارزیابی می گردد. البته در این بین دانش

آموختگانی نیز بوده اند که به خود اشتغالی و کارآفرینی پرداخته اند. این تعداد نیز در مطالعه حاضر جزء شاغلین محسوب گردیده اند. امتیاز به دست آمده از این نشانگر بیانگر وضعیت نسبتاً مطلوب می باشد، که میانگین احتسابی آن به سطح مطلوب نزدیک تر بوده است. همچنین نتایج بررسی نشان می دهد، دانش آموختگان کارشناسی ارشد، میزان شناخت عمومی و تخصصی همراه با علاقه به رشته تحصیلی خود را در سطح مطلوب ارزیابی کرده اند. نظر آنان درباره سطح مهارت خود در برآوردن الزامات شغلی در سطح نسبتاً مطلوب می باشد که در مقایسه با نظر دانش آموختگان کارشناسی از وضعیت بهتری برخوردار می باشد. دوره بیکاری شاغلین کارشناسی ارشد و نسبت دانش آموختگان شاغل به بیکار در سطح مطلوب می باشد. همچنین شغل بیشتر شاغلین مرتبط با رشته تحصیلی بوده است. در زمینه خود اشتغالی و کارآفرینی دانش آموختگان کارشناسی ارشد امتیاز نسبتاً مطلوب را کسب کرده اند. میزان ارتباط با گروه بعد از فراغت از تحصیل نیز همانند دانش آموختگان مقطع کارشناسی در سطح نامطلوب قرار دارد و نامطلوب ارزیابی می گردد و نشان می دهد، هیچ یک از دانش آموختگان این مقطع بعد از فراغت از تحصیل با گروه ارتباط ویژه ای نداشته اند که این امتیاز لزوم توجه به این مساله را خاطر نشان می سازد. ارتباط با گروه دانش آموختگان می تواند به عنوان بازخورد کیفیت عمل نماید و گویای زوایای پنهان عملکرد گروه آموزشی است که باید مورد عنایت و تدابیر ویژه قرار گیرد.

میزان رضایت دانش آموختگان از کاربردی بودن دروس نامطلوب و کفایت برنامه های درسی در ایجاد توانایی های شناختی و عاطفی، مطلوب و نسبتاً مطلوب ارزیابی گردیده است. در مطالعه حاضر، نسبت دانش آموختگان کارشناسی ارشد گروه که به مقطع تحصیلی دکتری راه یافته اند، نامطلوب می باشد که این نشانگر در مقطع کارشناسی ارشد با رشد بالاتری وضعیت مساعدی دارد و نسبتاً مطلوب می باشد. بنابراین دانش آموختگان سطح کارشناسی گروه آموزشی مورد بررسی در آزمون های ورودی کارشناسی ارشد بهتر از دوره دکتری نمایان شده اند. رضایت آنان از نقش گروه در ادامه تحصیل آنان نیز در همین وضعیت قرار دارد، به عبارت دیگر نسبتاً مطلوب است. تالیف و ترجمه های دانش آموختگان کارشناسی ارشد گروه نیز نامطلوب ارزیابی می گردد که چون میانگین تالیف ها و ترجمه های کارشناسی و کارشناسی ارشد با هم سنجیده می شوند امتیاز حاصل را برای کل آنها لحاظ نموده ایم. همچنین لازم به ذکر است ارایه مقاله در فهرست فعالیت های پژوهشی آنان وجود دارد که دارای وضعیتی به مراتب بهتر می باشد.

بحث و نتیجه گیری

یکی از عواملی که عمدتاً در ارزیابی های جامع نظام آموزش عالی مورد غفلت قرار می گیرد، ارزیابی برون دادهای نظام است، که از جمله عوامل موثر بر آن می توان بر عدم ثبت اطلاعات دقیق مربوط به دانش آموختگان در دانشگاه، عدم ارتباط دانش آموختگان با گروه آموزشی و دانشگاه، دشواری جمع آوری اطلاعات مورد نیاز و.... اشاره نمود.

بررسی و تحلیل برون دادهای گروه آموزشی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی نشان می دهد، در مجموع وضعیت این گروه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در سطح نسبتاً مطلوب می باشد. امتیازات حاصل از میزان شناخت عمومی و تخصصی از رشته، میزان علاقه به رشته تحیلی بعد از فراغت از تحصیل و نظر دانش آموختگان درباره سطح مهارت خود نشان می دهد گروه مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه در انتقال دانش و اطلاعات به خوبی عمل نموده است. ولی در کسب مهارت و کاربردی نمودن دروس ضعیف عمل کرده است. البته در صورتی که محقق می توانست نظر کارفرمایان را پیرامون مهارت رشتهای دانش آموختگان مورد استفاده قرار دهد و نیز در کنار آن از مصاحبه و مشاهده باز نیز بهره گیرد نتایج از دقت و اعتبار بالاتری برخوردار بود.

فراوانی نوع پاسخ ها، بیانگر این مطلب است که دانش آموختگان با وارد شدن به بازار کار به اهمیت کاربردی نمودن دروس، بیشتر واقف شده اند و مساله اصلی برای آنان توانایی در پیاده نمودن آموخته ها در دنیای واقعیت است. از دیگر ملاک های مورد ارزیابی ارتباط دانش آموختگان با گروه آموزشی مورد تحصیل بوده است که در وضعیت نامطلوب قرار دارد. ارتباط دانش آموختگان به عنوان برون دادهای نظام باعث می گردد، بازخوردهای مثبت و کاستی های احتمالی گروه به راحتی منعکس شده و گروه جهت ارتقاء کیفیت آموزشی راههای کوتاه تری را طی نماید.

از نظر ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر نیز با توجه به پایین بودن نرخ آن، می توان چنین استدلال کرد که بالا رفتن تحصیلات فرصت های شغلی بهتر و بیشتری را برای دانش آموختگان ایجاد نخواهد کرد و دارندگان مدرک تحصیلی بالاتر فقط فرصت های شغلی محدودی را که برای دارندگان مدرک تحصیلی کارشناسی وجود دارد را خواهند گرفت و لذا این عامل خود باعث کم رنگ شدن انگیزه ادامه تحصیل در بین دانش آموختگان شده و شاید مهمترین عامل در ترغیب دانش آموختگان به ادامه تحصیل را بتوان رهایی از عنوان بیکاری عنوان کرد.

همچنین می توان به علاقه و انگیزه دانش آموختگان به رشته تحصیلی خود که در این مطالعه نیز سنجیده شده است، به عنوان عامل مهمی در اشتغال اشاره کرد، که اگر این علاقه و انگیزه در دانش آموختگان وجود داشته باشد یا ایجاد شود و به سمت خود اشتغالی هدایت شود، می تواند تا حد زیادی مشکل اشتغال را بر طرف کند. البته در بحث خود اشتغالی دانش آموختگان نمی توان نقش دانش آموختگان را نادیده گرفت. اگر آموزش عالی به صورتی سازمان یابد که آموزش های علمی و متناسب با بازار کار را به دانشجویان ارائه دهد، بعد از دانش آموختگی مشکل اشتغال آنان کم رنگ تر خواهد شد. در واقع یکی از کارکردهای آموزش عالی، تربیت دانش آموختگانی خلاق و کارآفرین می باشد که بررسی میزان کارایی آموزش عالی در این مهم، هر چند بحث مهمی است لکن در این گزیده نمی گنجد.

از سوی دیگر، آموزش و کارآفرینی از عوامل عمده توسعه اقتصادی می باشد. از این رو، عقیده محقق بر آن است، آموزش کارآفرینی به عنوان یک عامل اساسی، هم به مثابه ابزار ایجاد اشتغال و هم به عنوان ابزار افزایش رشد اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد. لذا چنین می توان عنوان نمود که کارآفرینی شدن دانش آموختگان از طریق کسب مهارت های مورد نیاز در دانشگاه، به عنوان یکی از اصلی ترین راه حل های برون رفت از بحران بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی مطرح می باشد. بنا بر نظر اکثر متخصصان حوزه کارآفرینی بسیاری از قابلیت ها و مهارت های کارآفرینی، قابل آموزش است و در زمان حاضر این وظیفه دانشگاه هاست که علاوه بر آموزش های تخصصی و پژوهش، مهارت های کارآفرینی را نیز به دانشجویان آموزش دهند، تا بسیاری از مشکلات اشتغال دانش آموختگان مرتفع گردد.

پیشنهادهای

- تدوین اهداف و رسالت های دقیق و عملیاتی هر رشته تحصیلی. به گونه ای که با تدوین اهداف مورد نظر، سنجش میزان کارایی
- گروه در تحقق اهداف تربیت دانشجو و نیز سطح قابلیت دانش آموختگان معین شود. به عبارت گویاتر و به عنوان مثال، بعد از گذشت ۴ سال دوره دانشجویی، یک فرد دانش آموخته در این رشته، باید دارای چه ویژگی ها و توانایی هایی باشد.
- کاربردی و عملی نمودن دوره های آموزشی دانشجویان. همان گونه که شرح آن گذشت، دانش آموختگان با وارد شدن به بازار کار به اهمیت کاربردی نمودن دروس، بیشتر واقف شده اند و مساله اصلی برای آنان توانایی در پیاده نمودن آموخته ها در دنیای واقعیت است.
- توسعه واحد کارآفرینی در دانشگاه به عنوان یک مهره کلیدی؛
- تامین تسهیلات به منظور کارآفرینی دانش آموختگان؛
- ثبت دقیق اطلاعات مربوط به دانش آموختگان؛

- تشکیل انجمن دانش آموختگان، با هدف ارتباط رسمی و مستمر با گروه آموزشی. مسوولان نظام آموزش عالی می بایست پیگیری کیفیت برون دادها و سرنوشت شغلی آنان را از وظایف لاینفک خود بدانند.
- تعیین نوع و حدود همکاری دانش آموختگان با گروه آموزشی.

منابع و مراجع

- [۱] جمالی زاده، بتول و نصر، احمدرضا و جمالی زواره، اعظم (۱۳۹۰). "آموزش کارآفرینی ضرورتی انکارناپذیر در آموزش عالی" ۱۴۰۴. تهران: اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴
- [۲] محمدی، رضا (۱۳۸۴). "راهنمای عملی انجام ارزیابی درونی در نظام آموزش عالی ایران: تجارب ملی و بین المللی". تهران: انتشارات سازمان سنجش کشور.
- [۳] محمد زاده نصرآبادی، مهناز و پزشکی راد، غلامرضا. "آموزش عالی پایدار در روند جهانی شدن". فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی، سال سوم، شماره دهم، سال ۱۳۸۴.
- [۴] محمد پور، احمد (۱۳۸۹). "روش در روش". تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- [5] Clark v. Paton, Creswell w.Vickl (2015). "Understing Research A Consumers Guide". Second edition, New Yourk.
- [6] Bazargan, Abbas (2006). "Constant Evaluation for Promoting the University Quality: A Glance at a Decade of Experiences in Higher Education System of Iran". Presented Article in the 2nd Seminar of Inner Evaluation for Promoting the University Quality Tehran: College of Psychology and Pedagogic Sciences (in Persian).
- [7] Eaton, J. S. (2006). "Before the " The Secretary of Education,s Commission on the Future of Higher Education", Council for Higher Education Accreditation, Washington DC.
- [8] Mohammadi, Reza, Jalil Fathabadi, Gholamreza Yadegarzadeh, Mohammad Hassan Mirzamohamadi and Kouros Parand (2005). "Evaluation of Quality in Higher Education (Notions Principales Methods and Criteria,s)". Tehran: Publishing Center of Country Educational Evaluation Organization(in Persian).